



A Quranic Formulation of Deterrence Policy in the face of Military Threats*

Abdorrahim Rahimi* 

Seyed Kamal Hosseini** 

Najaf Lakzaee*** 

* PhD student, Department of Quranic Exegesis and Studies, al-Mustafa International University, Golestan, Iran; associate professor, Faculty of Sharia, Balkh University, Afghanistan (corresponding author). Email: rahimi998877@gmail.com;

** Assistant professor, Department of the Quran and Hadith, al-Mustafa International University, Golestan, Iran. Email: s.k.hosseini113@gmail.com;

*** Professor, Department of Political Science, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. Email: lakzaee@gmail.com



Abstract

Deterrence stands as a significant theory in defense and security within international politics, representing a key military doctrine embraced by global powers. In today's landscape marked by pervasive political and military conflicts, the concept of deterrence assumes paramount importance. Historically, the theory finds its roots in Western thought; however, considering the potentials within the Quran, it becomes plausible to formulate a Quranic rendition of this theory. Nonetheless, developing a precise scholarly theory of deterrence necessitates a thorough examination of its constituent elements, the conditions facilitating its realization, and its practical principles. This study endeavors to extract these fundamental aspects from the Quran. The research methodology employed herein is

* Rahimi, A. & Hosseini, S. K. & Lakzaee, N. (2023). A Quranic Formulation of Deterrence Policy in the face of Military Threats. *Journal of Political Science*, 26(103), pp. 93-127.

<https://doi.org/10.22081/PSQ.2024.67682.2841>

* **Publisher:** Baqir al-Olum University, Qom Iran.

* **Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2023/05/27 • **Revised:** 2023/07/30 • **Accepted:** 2023/09/09 • **Published online:** 2023/09/24

© The Authors



descriptive-analytic and inferential, with data collection conducted through the library method. The central inquiry revolves around delineating the components, conditions, and principles of deterrence policy from a Quranic perspective. The underlying hypothesis assumes that the components, conditions, and principles of deterrence can indeed be gleaned from the Quran. The research findings reveal that deterrence comprises four essential components: the invader, the deterrent, the tool of deterrence, and the subsequent action. To achieve deterrence effectively, certain conditions must be met, including possessing military strength, presenting a decisive threat by the deterrent, the presence of requisite awareness, and ensuring rationality on both sides. Furthermore, by adhering to specific governance principles such as understanding the enemy, preparing military forces, consolidating defenses, among others, the objectives of deterrence can be realized, and potential military threats from adversaries can be effectively thwarted.

Keywords

Deterrence policy, the Quran, military threats, enemy, political system.



الصياغة القرآنية لسياسة الردع

في التعامل مع التهديدات العسكرية*

عبد الرحيم رحيمي¹ ID، السيد كمال حسيني² ID، نجف لك زائي³ ID

۱. طالب دكتوراه، قسم التفسير وعلوم القرآن، جامعة المصطفى العالمية، كلستان، إيران؛ أستاذ مشارك، كلية الشرعيات، جامعة بلخ، أفغانستان (الكاتب المسؤول).

rahimi998877@gmail.com;

۲. أستاذ مساعد، قسم القرآن والحديث، جامعة المصطفى العالمية، كلستان، إيران.

s.k.hosseini113@gmail.com

۳. أستاذ، قسم العلوم السياسية، جامعة باقر العلوم، قم، إيران.

lakzaee@gmail.com

الملخص

يعتبر "الردع" أحد النظريات المهمة للدفاع والأمن في مجال السياسة الدولية والعقيدة العسكرية لدى القوى العالمية، ويحظى في الوقت الراهن بأهمية كبيرة نظراً إلى الصراعات السياسية والعسكرية الشاملة. تاريخياً، طُرحت هذه النظرية لأول مرة من قبل المنظرين الغربيين، ولكن بحسب الإمكانيات المتوفرة في القرآن الكريم فإنه من الممكن إعادة إنتاجها قرآنياً. ولا شك أنه من أجل التوصل إلى نظرية علمية دقيقة حول الردع، فلا بدّ من بيان العناصر المكوّنة له وشروط تحقيقه ومبادئه العملية، وقد أُنجز هذا البحث بهدف استخلاصها من القرآن الكريم. منهج البحث في هذه الورقة وصفي تحليلي واستدلالي، كما أنّ طريقة جمع المعلومات هي الطريقة المكتبية، وقد تم ذلك إجابةً على السؤال عن "العناصر والشروط والمبادئ القرآنية لسياسة الردع". يرتكز البحث الرائد على فرضية مفادها أنه من الممكن استخلاص عناصر الردع

* رحيمي، عبد الرحيم؛ حسيني، السيد كمال ولك زائي، نجف. (۲۰۲۳م). الصياغة القرآنية لسياسة الردع في التعامل مع التهديدات العسكرية. فصلية علمية محكمة علوم سياسي، ۲۶(۱۰۳)، صص ۹۳-۱۲۷.

<https://doi.org/10.22081/PSQ.2024.67682.2841>

وشروطه ومبادئه من القرآن الكريم. تُظهر نتائج هذا البحث أنّ الردع يتكوّن من أربعة عناصر: المعتدي، والرادع، وأدوات الردع، والفعل. ولتحقيق الردع يجب توفير كلّ من القوّة العسكرية، ووجود تهديد حاسم من الرادع، والوعي اللازم، والعقلانية من كلا الجانبين. ومع تطبيق بعض مبادئ الردع من قبيل "معرفة العدو" و"إعداد القوّة" و"التعزيز والتحصينات" وغيرها، يمكن تحقيق أهداف الردع ومنع التهديدات العسكرية من الخصم.

كلمات مفتاحية

سياسة الردع، القرآن الكريم، التهديدات العسكرية، العدو، النظام السياسي.



صورت‌بندی قرآنی سیاست بازدارندگی

در مقابله با تهدیدهای نظامی*

نجف لکزایی^۱ 

سیدکمال حسینی^۲ 

عبدالرحیم رحیمی^۳ 

۱. دانشجوی دکتری، گروه تفسیر و علوم قرآن، جامعه المصطفی العالمیه، گلستان، ایران؛ دانشیار، دانشکده شرعیات، دانشگاه بلخ، افغانستان (نویسنده مسئول).

rahimi998877@gmail.com;

۲. استادیار، گروه قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، گلستان، ایران.

s.k.hosseini13@gmail.com;

۳. استاد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم، ایران.

lakzaee@gmail.com

چکیده

«بازدارندگی» یکی از نظریه‌های مهم دفاعی و امنیتی در عرصه سیاست بین‌الملل و دکترین نظامی قدرت‌های جهان است و امروزه با توجه به منازعات فراگیر سیاسی و نظامی، اهمیت بسیاری دارد. از لحاظ تاریخی، این نظریه را نخستین مرتبه نظریه پردازان غربی طرح کرده‌اند و با توجه به ظرفیت‌های موجود در قرآن کریم، می‌توان به بازتولید قرآنی آن پرداخت. البته لازمه رسیدن به یک نظریه دقیق علمی در خصوص بازدارندگی، تبیین مؤلفه‌های تشکیل دهنده، شرایط تحقق و اصول عملی آن است که این پژوهش، با هدف استخراج آنها از قرآن کریم تدوین یافته است. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی و استنباطی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است که در پاسخ به پرسش از «مؤلفه‌ها، شرایط و اصول قرآنی سیاست بازدارندگی» انجام شده

* **استاد به این مقاله:** رحیمی، عبدالرحیم؛ حسینی، سیدکمال و لکزایی، نجف. (۱۴۰۲). صورت‌بندی قرآنی سیاست بازدارندگی در مقابله با تهدیدهای نظامی. علوم سیاسی، ۲۶(۱۰۳)، صص ۹۳-۱۲۷.

<https://doi.org/10.22081/PSQ.2024.67682.2841>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام قم، ایران؛ © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۵/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۸؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۷/۰۲



است. تحقیق پیش رو، بر این فرضیه استوار است که مؤلفه‌ها، شرایط و اصول بازدارندگی از قرآن کریم قابل استخراج است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد بازدارندگی از چهار مؤلفه (مهاجم، بازدارنده، ابزار بازدارندگی و اقدام) تشکیل شده است و برای تحقق آن، داشتن قدرت نظامی، وجود تهدید قاطع از سوی بازدارنده، آگاهی لازم و عقلانیت دوطرف شرط است و با کاربست برخی اصول بازدارندگی، همچون «دشمن شناسی»، «اعداد قوه»، «مقاوم‌سازی و استحکامات» و... می‌توان به اهداف بازدارندگی دست یافت و از تهدیدهای نظامی حریف، جلوگیری کرد.

کلیدواژه‌ها

سیاست بازدارندگی، قرآن کریم، تهدیدهای نظامی، دشمن، نظام سیاسی.

مقدمه

از مطالعه مجموع آیات قرآن کریم به دست می‌آید که مفهوم بازدارندگی با آفرینش بشر همزاد است و خداوند در فرمان بازدارنده «وَلَا تَقْرَبُوا» آدم و حوا را از نزدیک شدن به درخت ممنوعه «هَذِهِ الشَّجَرَةُ» به وسیله تهدید «فَتَكُونُوا مِنَ الظَّالِمِينَ» (بقره، ۳۵) باز می‌دارد؛ همچنین در آیات زیادی دیده می‌شود که پیامبران الهی برای جلوگیری مردم از تجاوز و خشونت، از روش بازدارندگی استفاده کرده‌اند (ر.ک: اعراف، ۵۹، ۷۱، ۸۵؛ مائده، ۲۱؛ نمل، ۳۷). آیه ۶۰ سوره انفال با اشاره به طرح کلی ایده بازدارندگی و فراهم‌آوری هر چیزی که قدرت و توانایی مسلمانان را افزایش دهد و سبب بازدارندگی شود، لازم می‌داند تا به وسیله آن، دشمنان داخلی و خارجی، شناخته یا نشناخته، بترسند و هیچ‌گاه فکر حمله به مسلمانان را نکنند.

اما طرح بازدارندگی به‌عنوان یک نظریه راهبردی سیاسی در مقابله با تهدیدهای نظامی که در ذیل نظریه‌های کلان منازعه تعریف می‌شود، در دکتترین دفاعی و امنیتی در عرصه روابط بین‌الملل، همزاد با جنگ جهانی دوم و مقارن با پیدایش سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۹۶، ص ۳۹۰) و عبارت است از: «به‌کارگیری تهدیدات نظامی برای ترغیب رقیب به خویش‌نوازی و ترک اهداف بلندپروازانه نظامی» (سیف‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۱۸۶). مطابق این تعریف، راهبرد بازدارندگی می‌کوشد با افزایش هزینه، بر محاسبات راهبردی مهاجم بالقوه اثر گذارد. البته کارایی آن با نوسازی مداوم فناوریانه تسلیحاتی مدرن همراه است (بلوچی، ۱۳۹۲، ص ۲۲). ملموس‌ترین تهدید در دنیای معاصر، تهدیدهای نظامی است که بیشتر موارد تشکیل‌دهنده یک واحد سیاسی را هدف قرار می‌دهد و به منظور آسیب‌رسانی به طیف گسترده از هسته‌های اصلی آن اعم از سرزمین، جمعیت، حکومت و حاکمیت سامان می‌یابد که هر کدام با میزان متفاوتی، امنیت ملی آن را به مخاطره می‌اندازد. امروزه به‌طور فزاینده دیده می‌شود که قدرت‌های طاغوتی با استفاده از تهدیدهای نظامی، اهدافشان را به‌زور بر دیگران (به‌ویژه کشورهای اسلامی) تحمیل می‌کنند و هرگونه که می‌خواهند درباره سرنوشت آنها تصمیم می‌گیرند. برای جلوگیری از این گونه تجاوزها و تهدیدها بر جامعه اسلامی و مهار خطر

جنگ، می‌توان به طرح سیاست بازدارندگی بر اساس آیات قرآن کریم پرداخت. از آنجایی که دستیابی به یک نظریه علمی دقیق، مستلزم تبیین مؤلفه‌ها، شرایط و اصول آن است، پژوهش حاضر می‌کوشد مؤلفه‌ها، شرایط و اصول بازدارندگی را با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و استنباطی، از معارف قرآنی استخراج کند. از مطالعات انجام شده در این زمینه، بر می‌آید که تاکنون هیچ اثر مستقلاً در خصوص این مسئله با رویکرد مورد نظر این تحقیق انجام نشده است.

۱. پیشینه پژوهش

برنارد برودی^۱، نظریه پرداز پیشگام بازدارندگی، عمده‌ترین آرایش را در این خصوص در کتاب‌های استراتژی در عصر موشک‌ها و جنگ و سیاست مطرح کرده است (سیف‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۱۸۷). بعدها جیمز دوئرتی^۲ و رابرت فالتزگراف^۳ در کتاب نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل و فریدمن لارنس^۴ در کتاب بازدارندگی به تبیین این راهبرد پرداخته‌اند؛ همچنین سیدحسین سیف‌زاده، علی حیدر بلوجی، بهروز امیرمعینی، فرهاد قاسمی، ابومحمد عسگرخانی، علیرضا ارغندی و جلیل روشندل، به تبیین و بررسی بازدارندگی بدون طرح آن در اسلام پرداخته‌اند.

جواد شکوهی پایان‌نامه خود با عنوان «مبانی فقهی اصل بازدارندگی دفاعی در مقابل تهدیدات احتمالی دشمن»، علیرضا احمدی، مقاله «استراتژی بازدارندگی از منظر فقه سیاسی» و مهدی علی‌نژاد مقاله «طراحی الگوی بازدارندگی نظامی از منظر آموزه‌های دینی» را پیش‌تر در این زمینه نگاشته‌اند؛ اما هیچ‌کدام بازدارندگی را بر اساس مبانی قرآنی بازسازی نکرده و مؤلفه‌ها، شرایط و اصول آن را از آیات استخراج نکرده‌اند.

1. Bernard Brodie

2. James Doherty

3. Robert Faltzgraf

4. Lawrence Freedman

۲. مؤلفه‌های بازدارندگی

با تعمق در آیات قرآن کریم برخی مؤلفه‌ها برای سیاست بازدارندگی قابل استخراج است:

۱-۲. **بازیگر هدف:** می‌توان آن را گروهی از مؤمنان یا یک کشور اسلامی و یا اتحادیه‌ای از کشورهای اسلامی دانست که در گفتمان قرآنی به «حِزْبُ اللَّهِ» (مانده، ۵۶؛ مجادله، ۲۲) تعبیر شده‌اند که با اتخاذ سیاست بازدارندگی از توطئه‌ها، تهدیدها و تحرکات سیاسی-نظامی بازیگر مهاجم جلوگیری می‌کند.

۲-۲. **بازیگر مهاجم:** می‌توان آن را طاغوت‌ها و کشورهای سلطه‌گر دانست که در تعبیر قرآنی «حِزْبُ الشَّيْطَانِ» (مجادله، ۱۹) خوانده شده و با تعدی و تجاوز منافع مادی و معنوی «بازیگر هدف» را در مخاطره می‌اندازد.

۳-۲. **ابزار بازدارندگی:** مجموعه‌ای از اقدامات سیاسی و نظامی بازیگر هدف، در قالب ارباب و ترس دشمن «تُرْهِيُونَ بِهِ» است که بازیگر مهاجم «عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» (انفال، ۶۰) را از اقدام به تهاجم یا ادامه آن منصرف می‌سازد.

۴-۲. **اقدام (هجوم، تهدید یا انکار):** هنگامی که رفتار هجومی یا تهدیدآمیزی بازیگر مهاجم ارزش‌های سیاسی بازیگر هدف را تهدید کند یا درصدد تهدید باشد، اقدام بازدارنده از سوی بازیگر هدف در قالب تهدید یا انکار و ممانعت شکل می‌گیرد تا از رفتار نامطلوب بازیگر مهاجم جلوگیری کند (سیف‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۱۱۳)؛ برای نمونه در غزوه حمراءالاسد، لشکر ابوسفیان تصمیم تهاجم به مدینه را داشتند که در پی تهدید و آرایش نظامی مسلمانان، از اقدام به تهاجم منصرف گشتند (آل‌عمران، ۱۷۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۴۴۰-۴۴۱).

۳. شرایط بازدارندگی

منظور از شرایط بازدارندگی، برخی پیش‌نیازها هستند که بدون آنها بازدارندگی تحقق نمی‌یابد یا به ناکامی منجر می‌شود.

۱-۳. شرایط عینی

برای تأمین بازدارندگی نظامی، داشتن میزانی از توانایی‌های نظامی و فناورانه و

برخورداری از انواع سلاح‌های فوق‌العاده پیشرفته شرط است (عالم، ۱۳۹۱، ص ۲۰۸). این توانایی‌ها هم در ایجاد اختلاف‌های سیاسی و هم در رفع آنها و برقراری صلح، نقش برجسته‌ای دارند (ارغندی و روشندل، ۱۳۹۸، ص ۱۰۱)؛ بنابراین بدون آن رسیدن به مرحله بعدی که اثرگذاری در ذهن حریف است، امکان‌پذیر نخواهد بود؛ از این رو قرآن کریم اعداد قوه (داشتن قدرت نظامی) را بر ارباب (بازدارندگی) مقدم می‌داند (انفال، ۶۰) و حتی ممکن است سخن گفتن بدون داشتن این توان، افزون‌براینکه بازدارندگی را به شکست مواجه کند، نتیجه معکوسی داشته باشد. البته سطح معینی برای این امر مشخص نیست و برای کشورهای مختلف سطوح متفاوتی از توانایی برای بازدارندگی مؤثر خواهد بود (بلوچی، ۱۳۹۲، ص ۲۲).

۲-۳. شرایط ذهنی

موفقیت بازدارندگی به برداشتها و ارزیابی‌های جاری در ذهن بازیگر مهاجم بستگی دارد (دوئرتی و فالترگراف، ۱۳۹۶، ص ۳۹۸). بازیگر هدف باید آمادگی عملی کردن تهدید را داشته باشد و به گونه‌ای معتبر، تهدید واقعی و باورپذیری ارائه دهد و بازیگر مهاجم نیز از نظر ذهنی متقاعد شود که در صورت عدم تمکین در مقابل بازیگر هدف، مورد حمله قرار خواهد گرفت (لارنس، ۱۳۸۶، ص ۳۹). قرآن کریم در آیه ۱۲۳ سوره توبه، پس از توصیه به مقابله با دشمنان نزدیک، با نمایش قدرت و توان نظامی که امروز از ابزارهای جنگ روانی به‌شمار می‌رود، به منظور ایجاد رعب و هراس در دل دشمن امر می‌کند که در نتیجه به افزایش بازدارندگی و کاهش آسیب‌پذیری نیروهای خودی و نیز شکست روحیه دشمن و عقب‌نشینی او می‌انجامد (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۹۷). بنی‌قریظه با پیمان‌شکنی و تمکین نکردن در برابر خواسته‌های پیامبر، مورد حمله سپاه اسلام قرار گرفت که در نتیجه با از میان بردن آنان عامل تهدید برای همیشه حذف گردید. مهم‌ترین عامل شکست بنی‌قریظه، محیط روانی و القای رعب و ترس در دل آنان بود: «وَقَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا» (احزاب، ۲۶).

۳-۳. شرایط زبانی

به یقین سیاست‌های مبتنی بر بازدارندگی با استفاده از زبان اعلام می‌شوند. بررسی راهبردهای امنیتی و دفاعی برخی قدرت‌های بزرگ دنیا نشان می‌دهد که هرچه زبان اعلامی صریح باشد، تأثیر بازدارندگی آن بیشتر خواهد بود (بلوچی، ۱۳۹۲، ص ۲۲). از این منظر، زبان بازدارندگی برخلاف پیام‌ها و مذاکره‌های سیاسی بسیار روشن و شفاف است و به هیچ وجه در لفافه و به گونه دویپهلوی و مبهم اعلام نمی‌شود؛ بلکه قصد توسل به یک اهرم مشخص و مجازات طرف مقابل به روشن‌ترین الفاظ بیان می‌شود؛ البته برخی از راهبردها ابهام عمدی را به همان اندازه بیان صریح و قاطع در پیروزی بازدارندگی ارزشمند و مؤثر می‌دانند (حبیب‌اللهی، ۱۳۸۳، ص ۵۹).

خداوند به پیامبر دستور می‌دهد که با زبان تهدید به گونه صریح و قاطع اعلام کند که شکست دشمن حتمی است و همواره مغلوب خواهند بود: «قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَعْتٌ لَّيِّنٌ وَ تُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَ بِنَسِ الْمَهَادِ» (آل عمران، ۱۲؛ ر.ک: ابن‌عاشور، ۱۹۸۴م، ج ۳، ص ۳۴). آیه ۳۳ مائده برای مهاجمان و فسادپیشگان که امنیت جامعه را به مخاطره می‌اندازند، چهارگونه مجازات در صورت تمکین نکردن تعیین می‌کند: «قتل»، «به دار آویختن»، «قطع دست و پا» و «تبعید». واژگان به کاررفته در این آیه مانند «بِقَتْلُوا»، «يَصَلَّبُوا» و «تُقَطَّعَ» از باب تفعیل، بر حتمی و یقینی بودن اجرای این مجازات دلالت دارد (ر.ک: مراغی، ۱۳۶۵ق، ج ۶، ص ۱۰۴).

۳-۴. شرایط خاص

این شرایط ناظر به ویژگی‌های خاص هر کشور است؛ به گونه‌ای که هر تهدیدی علیه هر کشوری نتیجه مشخصی از بازدارندگی را به بار نخواهد آورد. ممکن است کشوری در مقابل تهدیدهای سطح پایین تری نیز تسلیم شود و از رفتار ناپذیرفتنی دست بکشد؛ در حالی که کشور دیگری در مقابل تهدیدهای شدیدتر و سطح بالاتر نیز تسلیم نشود و به فعالیت‌های ضد امنیتی خود اقدام کند یا در صورت اقدام قبلی آن را ادامه دهد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۹۶، ص ۸۵). نمونه آن در قرآن کریم، تهدید سلیمان به دولت سبأ است که به بازدارندگی منجر شد (نمل، ۳۰-۳۷)؛ اما تهدید پیامبر به قبیله «بنی قینقاع»

مبنی بر دست کشیدن از اعمال خرابکارانه، نه تنها اثر بازدارندگی نگذاشت؛ بلکه حتی به ارتش اسلام هشدار دادند که آنان را با جنگجویان قریش - که در «بدر» شکست خوردند - مقایسه نکنند و در نتیجه با نزول آیه ۵۸ انفال، سپاه اسلام، قلعه‌های آنها را محاصره کردند که پس از ۱۵ روز محاصره، تسلیم و از سرزمینشان تبعید شدند (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، صص ۱۷۶-۱۸۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۲).

۳-۵. شرایط معلوماتی

برای تحقق بازدارندگی، آگاهی‌دهی مربوط به شرایط عینی و ذهنی جانبین (مهاجم و بازدارنده)، باید مبادله شود تا سطح آگاهی آنها افزایش یابد و حدود اعمال غیرمجاز برای دوطرف واضح گردد (ارغندی و روشندل، ۱۳۹۸، ص ۲۰۸)؛ زیرا ناآگاهی طرف مقابل از توانایی کشور بازدارنده یا بی‌خبری از اعمال ممنوعه که نزد بازدارنده غیرمجاز پنداشته می‌شود، امکان درگیری و شکستن بازدارندگی را بیشتر می‌سازد. البته باید این آگاهی‌دهی به گونه‌ای صورت گیرد که حریف مطمئن شود که در صورت تهاجم تنبیه می‌شود؛ ازین رو لازم است واحد بازدارنده به نحوی حریف را از توانایی خود آگاه سازد، حدود اعمال مجاز و ممنوع را مشخص سازد و نیت‌های واقعی و هدف خود را به حریف برساند که در صورت تخطی از آن، پیامدهای ناگواری در انتظار او خواهد بود (ارغندی و روشندل، ۱۳۹۸، ص ۲۳۱)؛ اما در قسمت انتقال اطلاعات، دقت، ظرافت و اعتدال در کار است؛ زیرا انتقال بیش از حد معلومات می‌تواند برنامه‌ریزی طرف مقابل را برای حمله تسهیل کند؛ بدین گونه قوه‌ای دافعه برای خنثی‌سازی بازدارنده بسازد یا از نقاط ضعف به بازدارنده ضربه بزند.

قرآن کریم در گزارش داستان روابط پادشاهی سلیمان با دولت سبأ به شرایط اطلاعاتی بازدارندگی اشاره می‌کند. نیروی اطلاعاتی سلیمان (هدهد) اطلاعات مهمی را در خصوص ساختار سیاسی دولت رقیب به دست می‌آورد و به سلیمان باز می‌گوید و حضرت سلیمان برای کسب اطلاعات بیشتر نیروی اطلاعاتی خود را روانه می‌کند (نمل، ۲۲-۲۷) و او را به همراه نامه صریح و شفاف و بالحنی قاطعانه و تهدیدآمیز نزد پادشاه «سبأ» می‌فرستد (نمل، ۲۸-۳۱). رهبر سبأ با مقامات بلندپایه دولت درباره این نامه مشورت

می‌کند و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که برای کسب اطلاعات بیشتر از قدرت سلیمان، جاسوسانی را با هدایایی بفرستد (نمل، ۳۲-۳۵). جاسوسان ضمن اینکه اطلاعاتی در مورد قدرت سلیمان حاصل می‌کنند، به همراه لحن شدید و تهدیدآمیز سلیمان که پیام ارعاب و ترس داشت، بر می‌گردند (نمل، ۳۷).

براساس متن این داستان می‌توان گفت که سلیمان به جاسوسان دولت سبأ پیام صریح داد که در صورت تمکین نکردن با حمله‌ای قریب‌الوقوع مواجه خواهند شد که در پی آن تبعید، آوارگی، ذلت و خواری خواهد بود.

۳-۶. شرط عقلانیت دوطرف

مفهوم بازدارندگی بر این باور استوار است که دوطرف محاسبات خود را به صورت عقلانی و با سنجش سود و زیان انجام می‌دهند. بی‌گمان عقل به پذیرش هزینه‌هایی بیشتر از منافع به‌دست‌آمده حکم نمی‌کند (سیف‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۱۸۷). بر پایه همین محاسبات، جنگی میان دوطرف صورت نخواهد گرفت و صرف تهدید یا انکار، برای تأمین بازدارندگی کارساز خواهد بود. در داستان فوق، اعضای شورای جنگ دولت سبأ، در برابر تهدید نظامی سلیمان، ملکه را به مقابله نظامی مشورت دادند و از قدرت نظامی خود سخن گفتند: «قَالُوا نَحْنُ أَوْلُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ» (نمل، ۳۳)، اما ملکه با استفاده از محاسبات عقلانی و با سنجش سود و زیان، جنگ را مصلحت ندیدند و راه مسالمت‌آمیز را در پیش گرفتند: «قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرََّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ» (نمل، ۳۴).

۴. اصول بازدارندگی

منظور از اصول بازدارندگی، مجموعه اقدام‌های بنیادی و زیربنایی است که در صورت کاربست آنها می‌توان به اهداف بازدارندگی از قبیل دستیابی به امنیت، انصراف یا کاهش میل مهاجم به تهاجم، کاهش خسارت‌ها و آسیب‌پذیری‌ها، جلوگیری از آسیب‌های داخلی و تهدیدهای سیاسی رقیبان خارجی نائل گردید.

۴-۱. اصل دشمن شناسی

بر پایه آموزه‌های قرآنی، دشمن در مفهوم عام آن، سراسر جبهه باطل را شامل می‌شود که در رویارویی با جبهه حق قرار دارد. شاخص‌ترین طیف‌های آن، مشرکان (مانده، ۸۲)، کافران (نساء، ۱۰۱)، منافقان (اعراف، ۱۷۹)، یهودیان (مانده، ۸۲)، نصارا (بقره، ۱۲۰)، طاغوت (نحل، ۳۶)، ظالمان (یونس، ۱۳) و مستکبرانی (اعراف، ۷۵، ۸۸) هستند که قصد تجاوز به جبهه حق را دارند و در ادبیات این مقاله، به «بازیگران مهاجم» تعبیر شده‌اند. شناخت دشمن به‌عنوان یک اصل در باب بازدارندگی مطرح است؛ زیرا چالشگر مهاجم که منبع و منشأ تهدید است، اگر ناشناخته بماند، در عمل نمی‌توان جلوی تهدید او را گرفت. البته در خصوص بازدارندگی، تنها شناخت خود دشمن کافی نیست، بلکه شناخت موارد ذیل نیز ضروری است:

الف) شناخت ساختار اصلی قدرت سیاسی دشمن: مجموع ساختارهای اصلی قدرت سیاسی یک کشور را مراکز ثقل آن تشکیل می‌دهد. مراکز ثقل خاستگاه و محور تمام تحرکات، فعالیت‌ها و قدرت بازیگر مهاجم است و هسته اصلی قدرت سیاسی او به شمار می‌رود. این مراکز شامل پنج حلقه اساسی زیر است که در صورت انهدام هر کدام، قدرت سیاسی مهاجم فرو می‌پاشد.

ردیف	مراکز ثقل	مصادق	نقش در ساختار سیاسی	پیامدهای تخریبی
۱	رهبری ملی	رهبر یا رئیس‌جمهور و...	مرکز اصلی تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی	فلج‌شدن مغز و سیستم عصبی کشور
۲	محصولات کلیدی	نیروگاه برق، صنایع تولیدی تجهیزات نظامی و...	تکیه‌گاه قدرت نظامی و سیاسی	فلج عموم ارگان‌ها، زیرساخت‌های اقتصادی و شکندگی قدرت نظامی و سیاسی

ردیف	مراکز ثقل	مصادق	نقش در ساختار سیاسی	پیامدهای تخریبی
۳	زیرساخت‌های حمل و نقل	جاده‌ها، فرودگاه‌ها و ...	خطوط مواصلاتی جبهه	قطع پشتیبانی و کمک‌رسانی
۴	جمعیت مردمی و اراده ملی	عموم مردم	ضامن دوام و بقای نظام سیاسی	فروپاشی نظام سیاسی
۵	نیروهای عملیاتی	مراکز و تجهیزات نظامی	تهاجم / دفاع	نابودی سیستم تهاجمی / دفاعی

برای نمونه، قرآن کریم انهدام مرکز ثقل نیروی دشمن (قتل جالوت) را عامل شکست سپاه جالوت می‌داند: «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ» (بقره، ۲۵۱). در آیات قبلی اشاره شد که بنی‌اسرائیل همواره مورد تجاوز دشمنان زورگو و قدرتمند خود بودند و توان مقابله با آنان را نداشتند؛ اما با توجه به فرمان الهی و رهبری مدبرانه طالوت، در یک رویارویی، هنگامی که جالوت، یعنی مرکز ثقل سپاه دشمن (قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۸۳)، پس از شناسایی توسط داود به قتل رسید، نماد قدرت و مغز تصمیم‌گیری متجاوز منهدم گردید و ساختار محوریت نیروی مهاجم فرو ریخت (ر.ک: ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۳۷؛ بستانی، ۱۳۸۶، ج ۲، صص ۸۷-۸۹).

ب) تهدیدشناسی دشمن: برای مقابله با هر پدیده تهدیدساز، شناخت تهدید آن نیز ضروری است؛ زیرا طراحی شیوه بازدارندگی، به نوع تهدید بستگی دارد (کمیته پدافند غیرعامل، ۱۳۸۸، ص ۱۳۶). تهدید بر توان‌مندی‌های مهاجم تکیه دارد؛ چون محورهای تهدید بر بدنه دفاعی واحد بازدارنده، متأثر از توان‌مندی‌های دشمن است. همچنان‌که شناسایی این توانایی‌ها برای موفقیت و هدفمندی بازدارندگی تأثیر می‌گذارد، شناخت نقاط ضعف و حساسیت‌های دشمن نیز جهت شدت‌بخشیدن به آنها می‌تواند دشمن را از اقدام به تهاجم یا ادامه آن منصرف سازد.

ج) شناخت عملیات روانی دشمن: عملیات روانی، مجموعه‌ای از اقدامات دشمن با استفاده از ابزارهای غیرنظامی و با تمرکز بر ابزارهای سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی در جهت نفوذ و تأثیرگذاری بر عقاید و رفتار بازیگران هدف و تحریک و ترغیب آنها در جهت مطلوب است (Whitley, 2000, pp. 3-4). عملیات روانی دشمن بیشتر در سطوح راهبردی، تاکتیکی و تحکیمی انجام می‌گیرد که برای جلوگیری، شناخت دقیق آن لازم است.

سطوح عملیات	گستره عملیات	هدف مهاجم	ساحات تخریب	شناخت و درمان از سوی بازیگر هدف	مستندات قرآنی
بازو	گسترده و بلندمدت شامل تمام بازیگران هدف	آسیب‌رسانی به بخش‌های مهم یا همه افراد/ ساختار نظام سیاسی بازیگران هدف	پایه‌های فرهنگی، باورها و آرمان‌های جامعه هدف	شناخت اهداف بازیگر مهاجم و استحکام پایه‌های اعتقادی، فرهنگی و تمدنی جامعه هدف	قرآن کریم شکست‌ناپذیری جامعه اسلامی را در گرو استحکام ایمانی و پاسداری از ارزش‌های دینی در برابر تهاجم فرهنگ کفر می‌داند (مانده، ۱۰۵؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۴۵۲؛ مراغی، ۱۳۶۵ق، ج ۷، ص ۴۶۳).
تاکتیکی	محدود شامل افراد حاضر در صحنه عملیات رزمی بازیگر هدف	وادارسازی به فرار یا تسلیم افراد	ضربه به نیروهای دفاعی و شکست خط مقدم دفاع بازیگر هدف	تقویت سیستم اطلاعاتی و دقت در استخدام نیروهای رزمی	طلوت، پیش از رویارویی با دشمن، به وسیله یک امتحان تاکتیکی، افراد سره را از سست و تنبل جدا نمود تا درنبرد شکست نخورند (بقره، ۲۴۹).

سطوح عملیات	گستره عملیات	هدف مهاجم	ساعات تخریب	شناخت و درمان از سوی بازیگر هدف	مستندات قرآنی
تفکیک / پیوستگی	گسترده یا محدود در سرزمین تحت تصرف مهاجم	جهت‌دهی روحیه مردم در پشتیبانی از نیروهای نظامی مهاجم	در کنار اتحاد درونی مهاجم، افکار مردم سرزمین‌های اشغالی را منحرف می‌کند	جلو‌گیری از استقرار و نفوذ سیاسی مهاجم، ایجاد تفرقه در صفوف آن	القای رعب، جهت منصرف کردن نیروهای مهاجم از جنگ و واداشتن به فرار (آل عمران، ۱۵۱؛ انفال، ۱۲؛ احزاب، ۲۶). تفرقه‌اندازی در صفوف دشمن (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۸۰-۴۸۲). افراد تحت تصرف مهاجم را همراه و همگام خود ساختن (طه، ۷۷؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۳۶۹).

۴-۲. اصل اعداد قوه

«اعداد قوه»، وام‌گرفته‌شده از آیه ۶۰ انفال است که به معنای فراهم‌آوری و ارتقای سطح توانایی، برخورداری از انواع سلاح‌های فوق‌العاده پیشرفته و دست‌یابی به قدرت نظامی شکست‌ناپذیر است. این اصل از بنیادی‌ترین اصول بازدارندگی است که با دنبال کردن راه کارهای ذیل تحقق می‌پذیرد:

الف) گسترش و ارتقای مداوم توان نظامی: عنصر گسترش، به فراگیری و تنومندسازی قدرت بازدارنده کمک می‌رساند و عنصر ارتقا به پویایی و نوشوندگی می‌انجامد.

ب) رقابت شدید تسلیحاتی: واحد بازدارنده، باید همواره در رقابت شدید تسلیحاتی و تکنولوژیک همواره حضور فعال داشته باشد و با داشتن مدرن‌ترین

سلاح‌های دفاعی و تهاجمی، برتری نظامی خود را به مهاجم حفظ کند (ارغندی و روشندل، ۱۳۹۸، ص ۲۰۹).

ج) داشتن کادر دیپلماسی قوی: دیپلماسی قوی می‌تواند توانایی‌های نظامی را افزایش دهد و با حمایت زرادخانه‌های تسلیحاتی، از تضعیف و تحریم آنها توسط بازیگران خارجی جلوگیری کند؛ همچنین خط‌مشی‌های کلی بازیگر هدف را ترسیم کند و از حقوق و منافع ملی به گونه‌ای عزتمندانه و مقتدرانه پاسداری نماید (عمیدزنجانی، ۱۳۹۹، ص ۲۷۲؛ بشیر، ۱۳۹۵، ص ۱۱۶).

د) نمایش توان رزمی: با رزمایش و مانورهای نظامی به مهاجم نشان می‌دهد که برای جلوگیری از هرگونه تهاجم احتمالی، توانایی کافی برای دفاع دارد و از این طریق می‌خواهد که مهاجم را مرعوب ساخته، به خویش‌داری وا دارد (خدادادی، ۱۳۸۱، ص ۶۵).
قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال، ۶۰).

«اعداد» به معنای تهیه کردن چیزی است که انسان به وسیله آن به هدف دیگری برسد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، صص ۱۵۰-۱۵۱). «قوة» به معنای قدرت، آمادگی و توانایی (ابن‌فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۵، ص ۳۶)، سلاح و تجهیزات نظامی است (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۷۹) که در روحیه دشمن ترس و وحشت ایجاد می‌کند. «رهب/ رهبة» به معنای ترس همراه با دوری‌جستن و نگرانی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۶۶)، این ترس، نقش بازدارندگی دارد، دشمن را از تجاوز باز می‌دارد. تعبیر «مَا اسْتَطَعْتُمْ» و نکره آمدن واژه «قوة»، به ارتقای مداوم و همه‌جانبه توان نظامی صراحت دارد.

قرآن کریم همچنین با اشاره به رهایی از وابستگی نظامی، به یادگیری فناورانه و تولید تسلیحاتی داخلی توصیه می‌کند: «وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ، أَنْ اِعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا» (سبأ، ۱۰-۱۱).

«سَابِغَاتٍ» به معنای زره‌های وسیع، فراخ و کامل است (سمرقندی، بی‌تا، ج ۳، ص ۷۷؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۷۹). «قَدِّرْ» به معنای برابر ساختن به اندازه مخصوص و معین است (سمرقندی، بی‌تا، ج ۳، ص ۷۷؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۷۹). «السرد/ الررد» شکل تغییر یافته «سرد» و «زراد»

است که به معنای زره‌بافی و اسلحه‌سازی می‌باشد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۱۱؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۲۲۶). ممکن است که «زرادخانه» - محل‌های اسلحه‌سازی و نگهداری آن - برگرفته از ریشه (سرد/ زرد) باشد. این آیه مبارکه به ساخت و ساز اسلحه و سامانه‌های بازدارنده و ضد تهاجم می‌پردازد و در فرایند تولید آن به موارد ذیل تأکید می‌کند:

باید به گونه کامل و بدون هیچ‌گونه نقص فنی ساخته شود که توانایی دفع و رهگیری آتش تهاجمی دشمن را داشته باشد (سابغات)؛

باید به شکل انبوه تولید شود تا اگر تهاجم استمرار یابد، جوابگو باشد (سابغات)؛ در صورت خویشتن‌داری مهاجم، سیاست انتقام‌جویی و نابودسازی کنار گذاشته می‌شود، اما باید سیاست ارباب همواره پا برجا باشد (سابغات/ رُهب).

باید رویکرد عقیم‌سازی و منسوخ کردن حملات تهاجمی دشمن را داشته باشد (سابغات/ رُهب).

باید با دقت تمام، کیفیت بالا و نشانه‌گیر تولید گردد که به صورت دقیق حملات دشمن را هدف قرار دهد و آن را به گونه‌ای کامل خنثی سازد (قَدَّرَ فِي السَّرِّ).

به هدف بازدارندگی تولید شود؛ نه برای تهاجم، کشورگشایی، ظلم و ستم (إِعْمَلْ سَابِغَاتٍ... إِعْمَلُوا صَالِحًا).

۵) توان کاربرد قدرت رزمی: صرف وجود و نمایش قدرت، به‌تنهایی برای جلوگیری از تهاجم دشمن کفایت نمی‌کند؛ بلکه واحد بازدارنده در کنار داشتن قدرت، باید توان کاربرد آن را نیز داشته باشد. مهاجم تا زمانی که واکنش و ضربه متقابل را از حریف احساس نکند و توان کاربست قدرت را در بازیگر هدف نبیند، دست از تهاجم بر نمی‌دارد. قرآن کریم فشارهای نظامی دشمن را یک امر همیشگی می‌داند و اثرگذاری آن را به قدرت و توان‌مندی او وابسته می‌داند: «وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَزُوذُوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا» (بقره، ۲۱۷).

۳-۴. اصل تهدید

تهدید در گفتمان سیاست بازدارندگی، عبارت است از: برحذر داشتن و منع کردن

بازیگر مهاجم از روی تهدید و ترساندن که در صورت اقدام به تهاجم، به چنان خطر و دردسری می‌افتد که باید هزینه‌های زیادی به مراتب بیشتر از منافع احتمالی خود پردازد؛ بنابراین تهدید برای جلوگیری از تهاجم کارساز خواهد بود. برای اثرگذاری این اصل، موارد ذیل لازم است:

الف) صراحت بیان و درک طرف مقابل: بازیگر هدف در سیاست اعلامی خود به گونه‌ای صریح و شفاف تهدید خود را به مهاجم می‌رساند تا مهاجم به درستی مقصد بازیگر هدف را بفهمد و درک کند؛ زیرا ممکن است بیان چندپهلوی و مبهم مهاجم را به سردرگمی و برداشت ناصواب مواجه سازد (لارنس، ۱۳۸۶، ص ۳۹)؛ برای مثال گردشگری که در یک کشور خارجی با پلیسی مواجه می‌شود که زبانش را نمی‌فهمد و پلیس به او می‌گوید: «این منطقه ممنوعه است، داخل نشوید که بازداشت می‌شوید». اگر گردشگر همچنان پیش برود و بازداشت شود، در اینجا بازدارندگی تنها به سبب درک نکردن تهدید توسط مخاطب با شکست مواجه شده است.

ب) ارائه تهدید به گونه جدی: پیام بازدارنده باید در قالب تهدید جدی و بدون جنبه دوستانه به مهاجم منتقل گردد؛ زیرا ممکن است بازیگر مهاجم تهدید را جدی نگیرد و به تهاجم اقدام کند؛ برای نمونه گردشگر یادشده حرف پلیس را بفهمد؛ ولی به دلیل رفتن به منطقه ممنوعه بازداشت شده و سپس ادعا کند که تذکر سخت گیرانه پلیس همراه با اشاره دوستانه بوده است که تهدید را جدی تصور نکرده است.

ج) ارائه تهدید به گونه معتبر: بازیگر هدف باید تهدید را به شکل معتبر و قابل‌پذیرش ارائه دهد تا بازیگر مهاجم را متقاعد سازد که تهدید قطعی بوده است و در صورت تمکین نکردن، تهدید به اجرا در می‌آید؛ مانند اینکه کشوری رقیب خود را به حمله هسته‌ای تهدید کند، درحالی که خود فاقد سلاح هسته‌ای است. این تهدید نامعتبر خواهد بود.

د) تهدید ناشی از قدرت: اگر دولت ضعیفی، رقیب قدرتمند خود را به مجازات تهدید کند، چه بسا مهاجم با تکیه بر قدرت خود توان بازیگر هدف را ناچیز شمارد و به تهاجم اقدام کند و چه بسا آغاز تهدید از سوی رقیب ضعیف، رقیب قوی خود را به خشم آورد و او را به تهاجم و تجاوز وا دارد.

یکی از نمونه‌های این تهدید در قرآن کریم، تهدید سلیمان به پادشاه سبأ است: «أَلَّا تَعْلَمُوا عَلٰی وَ اٰتُونٰی مُسْلِمٰی» (نمل، ۳۱). «تَعْلَمُوا/ علو» به معنای استکبار و برتری‌جویی «اٰتُونٰی/ اتیان» به معنای حاضر شدن و «مُسْلِمٰی/ اسلام» به معنای تسلیم و انقیاد است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۶۴). این آیه مبارکه حاوی یک تهدید بازدارنده مبنی بر بلندپروازی نکردن و دو فرمان (رفتن نزد سلیمان و گردن نهادن به خواسته‌های او) است. تهدید یادشده با لحن صریح و قاطع، از موضع قدرت حکایت دارد؛ از این رو برای اعتباربخشیدن به این تهدید می‌گوید: «اَزِجِّ اِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَ لَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا اَذَلَّةً وَ هُمْ صَاغِرُونَ» (نمل، ۳۷). «قِبَلَ» به معنای مقابله و مقاومت است (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۸۹). سلیمان، سفیران دولت سبأ را با پیام جنگ بر می‌گرداند و به آنان گوشزد می‌کند که اگر تهدید را جدی نگیرند، منتظر حمله سپاهی پرتوان و بی‌هماورد باشند که توان مقابله را از آنها می‌ستاند و به گونه‌ای ذلت‌بار از سرزمین‌شان می‌راند (سمرقندی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۸۲). در اثر این تهدید، پادشاه سبأ نزد سلیمان می‌رود (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۵، ص ۲۳). سلیمان برای اینکه قدرت خود را به بلقیس بنمایاند، از مأموران می‌خواهد که تخت او را حاضر کنند (نمل، ۳۸-۴۲). این حرکت بدین معناست که کسی که توان انتقال تخت به این بزرگی را از راه بسیار دور دارد، به یقین توان حمله خانمان‌سوز را نیز خواهد داشت (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۸، ص ۱۱۶).

۴-۴. اصل مشروعیت حمله پیش‌دستانه

اگر تهدیدی قطعی علیه بازیگر هدف وجود داشته باشد که هنوز حمله مسلحانه از سوی بازیگر مهاجم انجام نشده یا در مواردی که پیش‌تر حمله‌ای رخ داده و بازیگر هدف دریافته که حملات بیشتری در حالت تدارک و طراحی است، او با توسل به نیروی نظامی به منبع تهدید حمله می‌کند و با اقدام پیشگیرانه، مهاجم را از تهاجم باز می‌دارد (مجرد، ۱۳۹۰، ص ۲۶). مطابق این تعریف، حمله پیش‌دستانه در دو حالت مجاز شمرده می‌شود:

یک- شواهد متقاعدکننده قطعی (نه احتمالی) وجود داشته باشد که بازیگر مهاجم حمله مسلحانه و قریب‌الوقوعی انجام خواهد داد.

دو- بازیگر هدف، دست کم یک بار از سوی مهاجم مورد حمله مسلحانه قرار گرفته و شواهد آشکار و متقاعد کننده‌ای مبنی بر آمادگی وی برای حمله مجدد وجود دارد (ر.ک: مجرد، ۱۳۹۰، صص ۲۳-۲۴).

در عرف بین‌الملل (ماده ۵۱ منشور ملل متحد)، برای جلوگیری از تجاوز رقیب، حمله پیش‌دستانه مشروع دانسته شده است (ماده ۵۱ منشور ملل متحد) و از برخی آیات قرآن کریم نیز مشروعیت آن به دست می‌آید: «فَمَا تَتَّقَنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرُّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدْكُرُونَ وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَأَنِذِرْهُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ» (انفال، ۵۷-۵۸).

«تَتَّقَنَّ / تَقَفَّ» به معنای درک چیزی با دقت و سرعت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۷۳)؛ یعنی در طراحی و عملیات حمله پیش‌دستانه دقت نظر باید کرد و پس از ظهور نشانه‌های روشن و قانع کننده مبنی بر خیانت و تهدید قطعی دشمن، باید به گونه‌ای برق آسا به آن متوسل شد تا دشمن نتواند به مقابله برخیزد. در آیه ۶ حجرات نیز به قطعی بودن خبر تهدید تأکید شده است.

«شَرُّدْ» برگرفته از «تشرید» است که به معنای راندن و پراکنده کردن توأم با وحشت است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۶، ص ۳۳)؛ یعنی حمله پیش‌دستانه به صورت مؤثر انجام شده که طرح‌های تهاجمی دشمن از میان رفته و گوشمالی آن، اتحاد دشمن را از هم بپاشد و همه را یکه و تنها سازد (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۲۴۷).

«تَخَافَنَّ / خوف» در اینجا به معنای گمان نیست؛ بلکه ظهور نشانه‌های امری است که بر وقوع یک رویداد پُرخطرِ ضدّ امنیتی در شرف وقوع دلالت دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۴۹؛ طب، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۱۴۹) و یا به معنای باور قطعی است (قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۳۱۴). «عَلَىٰ سَوَاءٍ / به گونه عدل»، یعنی در عملیات پیش‌دستانه عدالت باید رعایت شود (ر.ک: پانی‌پتی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۰۵).

از تعبیر «إِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً...» دانسته می‌شود که پیش‌دستی تنها به حمله نظامی محدود نمی‌شود و پیمان‌های امنیتی را نیز شامل می‌شود که اگر قرینه‌های پیمان‌شکنی دشمن ظاهر شد، مسلمانان باید به شکستن آن پیشی گیرند تا راه خیانت دشمن بسته شود (ر.ک: مراغی، ۱۳۶۵ق، ج ۱۰، ص ۲۲).

قرآن کریم در آیه «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا...» (بقره، ۱۹۰) نیز به مشروعیت حمله‌ای پیش‌دستانه اشاره دارد. جمله «يَقَاتِلُونَكُمْ»، ناظر به «شأنیت» ستیزه‌جویان است، نه «فعلیت» آنها؛ زیرا این جمله به‌عنوان شرط و قید احترازی نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۶۰)؛ یعنی در جنگ از کسانی که هنوز عملیات نظامی را شروع نکرده‌اند، ولی شأنیت جنگ در آنها وجود دارد و به‌زودی به شما حمله خواهند کرد، پیشی گیرید.

جمله «وَلَا تَعْتَدُوا» می‌رساند که حمله پیش‌دستانه نباید جنبه تعدی و تجاوزگری داشته باشد.

برخی از غزوه‌های پیامبر، مانند غزوه عَطْفَانَ (مغلطای، ۱۴۱۶ق، ص ۲۲۵)، غزوه ذات‌الرقاع (ابن‌سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۹۵)، غزوه مَرِيَسِيعِ (البستی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۷۴)، غزوه ذات‌السلاسل (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۷۷۰)، غزوه حنین (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۸۸۵) و غزوه تبوک (ابن‌سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۶۵)، از قبیل حملات پیش‌دستانه بوده است.

۴-۵. اصل مقاوم‌سازی و استحکامات

پایگاه‌ها، تأسیسات، اماکن و مواضع راهبردی باید به‌گونه‌ای مستحکم بنا شود تا در مقابل اصابت مستقیم بمب، راکت، موشک و... مقاومت کند و از صدمه‌رسیدن به نفرات، تجهیزات یا تأسیسات جلوگیری کند، اثرات ترکش و موج انفجار را به‌گونه کامل یا نسبی خنثی سازد، نفوذ حضور دشمن را در محدوده مورد نظر ناممکن یا مشکل سازد (میرسمعی، ۱۳۹۵، ص ۱۹)؛ همچنین برای بازیگر هدف این امکان را فراهم سازد که مهاجم را از ادامه تجاوز باز دارد؛ بنابراین می‌باید بازیگر هدف در زمان صلح و آرامش به فکر ساخت و ساز مکان‌های ایمنی‌بخش باشد تا در صورت تهاجم احتمالی دشمن، صدمه نینند (افتخاری، ۱۳۹۹، صص ۳۸۶-۳۸۷).

قرآن کریم در موارد متعددی به این اصل اشاره کرده است؛ برای نمونه «سَدِّ ذَوَالْقُرْنَيْنِ» که برای بازداشتن تجاوز قوم یاجوج و ماجوج ایجاد شد: «...أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا... فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا» (کهف، ۹۴-۹۵). «ردم» به دیوار حائل

و استحکامات نظامی اطلاق می‌شود که برای جلوگیری از نفوذ دشمن ایجاد می‌شود (نظرزاده، ۱۳۹۶، ص ۳۰۵). از نکات جالب، ساخت فناوریانه و محاسبه‌های بسیار دقیق بازدارندگی و نفوذناپذیری این سدّ بوده است که در آیات ۹۶-۹۷ کهف بدان اشاره شده است.

از آیات فوق در خصوص بازدارندگی استفاده می‌شود که:

۱. مقاوم‌سازی و استحکامات، از جمله سیاست‌های مؤثر در حوزه بازدارندگی است.
۲. استحکامات می‌تواند انرژی مهاجم را مصرف کند و او را از عمل تهاجم و فسادپیشگی باز دارد.
۳. دولت باید به چنان دانش فنی و صنعتی مسلح باشد که بالاتر از انتظارات مردم، توان ساخت و ساز استحکامات دفاعی را داشته باشد. چنانچه مردم خواستار ایجاد «سدّ» شد، ولی ذوالقرنین به بنای محکم‌تر «ردم» اقدام کرد. ردم نسبت به سد از استحکام بیشتری برخوردار است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۳۴۴؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۸۰).
۴. در استحکامات بازدارندگی سعی شود از منابع داخلی استفاده گردد. سدّ آهنی با بافت و روکش مسی از ذخایر داخلی آن سرزمین ساخته شده بود.
۵. ایجاد موانع می‌تواند ذیل مفهوم «ایجاد شبکه قدرت» تعریف شود. شبکه‌سازی قدرت، بازیگر را از حالت انفرادی خارج می‌کند و به گونه قدرتمندی همراه با متحدان در چشم دشمن نشان می‌دهد و قدرت بازدارندگی وی را می‌افزاید. چنانچه در این آیه مبارکه آن قوم با ایجاد شبکه قدرت و ائتلاف با ذوالقرنین به ساخت و ساز سدّ بازدارنده می‌پردازند.
۶. استحکامات باید به گونه‌ای قوی ساخته شود که مهاجم را به زانو در آورد تا از عبور آن عاجز ماند: «فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ».
۷. استحکامات باید به گونه‌ای شکست‌ناپذیر و نفوذناپذیر مهندسی شود تا مهاجم توان رخنه و تخریب آن را نداشته باشد: «مَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا».
۸. باید ارتباط دشمن سرکش و اصلاح‌ناپذیر با تمام جوامع قطع گردد. با آنکه

ذوالقرنین پادشاه شرق و غرب بود و از تمام کشورش بازدید کرد، ولی نه به سرزمین یاجوج و ماجوج سفر کرد و نه به آنان کمک رسانید؛ بلکه برای انزوای آنان ارتباطشان را با جوامع دیگر قطع کرد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۳۹۵).

۴-۶. اصل فرسایش قدرت

فرسایش قدرت دشمن بر این پیش‌فرض استوار است که اگر قدرت در اختیار مهاجم روبه فرسایش و کاهش گذارد، به تدریج امکان استمرار اعمال فشار و انرژی تهاجمی وی به طور طبیعی از میان خواهد رفت و دیگر قادر به تهاجم نخواهد بود. البته در کنار فرسایش قدرت رقیب، تولید و رشد قدرت خودی نیز اهمیت زیادی می‌یابد؛ زیرا افزایش قدرت خودی میزان بازدارندگی افزایش می‌دهد و طمع متجاوزان را از تهاجم کم می‌کند.

قرآن کریم در آیات فراوانی به راهکارهای فرسایش قدرت دشمن پرداخته است که برای نمونه با تحلیل آیات مربوط به داستان مبارزه حضرت موسی در برابر فرعون، به برخی از این راهکارها اشاره می‌شود:

الف) مدیریت زمان: باید زمان به گونه‌ای مدیریت شود که همواره میزان انرژی مهاجم رو به کاهش نهد. در آیه ۱۰ شعراء، خداوند دستور می‌دهد که موسی به سرعت نزد فرعون برود، ولی او مشکلاتی همچون تکذیب و قتل توسط فرعون، سعه صدر و روانی بیان خود را مطرح می‌کند که چه‌بسا مبارزه را دشوار سازد؛ ولی خداوند با بیان قاطع «كَلَّا/ فَادُّهْبَا/ فَأْتِيَا»، به جد دستور می‌دهد که بدون اتلاف وقت نزد فرعون برود و در مورد آزادی بنی‌اسرائیل با وی گفتگو کند (شعراء، ۱۱-۱۷).

ب) مشروعیت‌دایی: حیات یک نظام سیاسی، به مشروعیت ملی و بین‌المللی آن وابستگی دارد که در صورت ازدست‌دادن آن رو افول می‌نهد. بنیادی‌ترین، مبنایی که حکومت فرعون را مشروعیت می‌بخشید، ادعای خدایی وی بود (نازعات، ۲۴؛ شعراء، ۲۹؛ طه، ۵۱) که حضرت موسی عليه السلام به ابطال آن پرداخت (طه، ۴۷). او با معرفی کردن خداوند

به‌عنوان پروردگار همه عالم - به شمول فرعون - اساسی‌ترین مبنای مشروعیت حکمرانی فرعون را به چالش کشید (شعراء، ۲۳؛ اعراف، ۱۲۰-۱۲۱)؛ همچنین عدالت و صداقت که زیربنای مشروعیت یک حکومت را تضمین می‌کند، حکومت فرعون را فاقد آن دانست (نازعات، ۱۷؛ یونس، ۸۲؛ دخان، ۳۱).

ج) ناکارآمدسازی: ناکارآمدسازی تلاش برای تضعیف حاکمیت سیاسی جامعه است (لیست، ۱۳۷۴، ص ۱۱). موسی عليه السلام با اقداماتی زبانی و عملی به منظور شکستن اقتدار فرعون کوشید در حاکمیت او تردید کند. چنانچه او در استدلال منطقی فرعون را شکست دهد، در اقدام عملی، کارآزمودگان (ساحران)، دستگاه فرعون را به شکست و تسلیم وا می‌دارد (اعراف، ۱۱۲-۱۱۱) و با ارائه معجزات متعدد، پایه‌های اعتقادی مردم را نسبت به فرعون به تزلزل درمی‌آورد (نمل، ۱۲؛ اعراف، ۱۳۳-۱۳۴؛ شعراء، ۱۵).

د) ایجاد شکاف: ایجاد اختلاف در جبهه دشمن، اتحاد داخلی‌اش را می‌شکند و قدرت‌ش را به چالش می‌کشد. ایجاد اختلاف میان ساحران و فرعون (طه، ۷۰)، گرویدن همسر فرعون به دین موسی (تحریم، ۱۱)، گفتگوی مستقیم و تند درباریان فرعون (مؤمن آل‌فرعون) با فرعون در طرفداری از موسی و تحریک مردم علیه فریب و نیرنگ فرعون (غافر، ۲۸-۴۵) و درگیری و اختلاف میان فرعون‌نیانی که پنهانی نجوا می‌کردند (طه، ۶۱-۶۲)، از نمونه‌های ایجاد شکاف در دستگاه حکومتی فرعون از سوی موسی بود.

ه) توجه به شرایط درونی مهاجم: تحلیل حالات و شرایط داخلی مهاجم، شناخت نقاط آسیب‌پذیر و ایراد ضربه مناسب که مهاجم دچار بحران و فروپاشی درونی شود، از سیاست‌های فعال بازدارندگی به‌شمار می‌رود. منطق موسی، ارائه معجزات گوناگون و رفع بلاها از مردم مصر که به برکت دعای موسی بود، تأثیر عمیقی در افکار عمومی گذاشت و پایه‌های حکومت فرعون را متزلزل ساخت؛ به گونه‌ای که جز سفسطه‌بازی و مغلطه‌کاری چیزی برای فرعون باقی نمانده بود (زخرف، ۵۱-۵۳).

و) فروپاشی: نظام‌های سیاسی با فرسایش بیش از حد به فروپاشی می‌انجامد. مبارزه حضرت موسی با فرعون و قوم او نیز از چنین روند فرسایشی تبعیت کرد که با نابودی فرعون نظام وی فروپاشید (طه، ۶۱؛ یونس، ۸۸؛ اعراف، ۱۳۳).

۴-۷. اصل نابودسازی

اصل نابودسازی بر قدرت تکیه دارد که در آن، کانون مولد ناامنی و تهدید از بین رفته و در نتیجه موضوع بازدارندگی حل و فصل می‌گردد. این اصل به‌عنوان آخرین راه‌حل برای بازدارندگی مطرح است و زمانی شکل می‌گیرد که مهاجم، به‌شدت در پی پرخاشگری بوده و از هر گزینه ممکن، دنبال ضربه‌زدن به جامعه هدف است و جز زبان زور به هیچ ارزشی پابند نیست. روش‌های ذیل برای تحقق این اصل راهگشا است:

الف) بازدارندگی از راه تأثیرگذاری بر ریشه‌های قدرت مهاجم: بازدارندگی از طریق تأثیرگذاری بر ریشه‌های بنیادین قدرت چالشگر مهاجم انجام می‌پذیرد که به وسیله آن، او را مستأصل می‌سازد و از اقدام به تهدید و تهاجم منصرف می‌نماید. در واقع این روش با توجه به هدف‌گیری پایه‌های قدرت مهاجم بالقوه، راه‌حل قاطع و فعالی جهت منتفی‌سازی اقدام تهدیدی و تهاجمی مهاجم در آینده می‌گردد. قرآن کریم در مجازات قوم عاد از کاربرد این سیاست خبر می‌دهد: «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا... كَانَتْهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مَّنْفَعِرٍ» (قمر، ۱۹-۲۰). «قعر» به معنای از ریشه برکندن است (مراغی، ۱۳۶۵ق، ج ۲۷، ص ۸۵). البته اجرای روش از ریشه برکندن، به قدرت زیادی نیازمند است؛ به گونه‌ای که نه تنها مهاجم را مهار کند، بلکه تمام حلقه‌های ارتباطی آن را با محیط سیاسی و اجتماعی اش قطع نماید (افتخاری، ۱۳۹۹، ص ۳۳۳). تحلیل مقاصدی واژگانی همچون «اجْتُنَّتْ / جث» (ابراهیم، ۲۶) به معنای قطع چیزی از ریشه به گونه‌ای که دیگر با ریشه ارتباطی نداشته باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۸۷)، «نَتَقْنَا / نتق» (اعراف، ۱۷۱) به معنای با قوت تمام کشیدن و از ریشه درآوردن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۹۰) و «فَيْسِحِجْتَكُمُ / سحت» به معنای سوزاندن ریشه‌های چیزی، به سیاستی رهنمود می‌شود که باید ریشه‌های قدرت مهاجم قطع و منبع تهدید ریشه‌کن شود که در اثر آن، قدرت وی ناپایدار گردد.

ب) بازدارندگی از راه آسیب‌زدن به هسته مرکزی مهاجم: بازیگر هدف، می‌تواند با هدف‌گیری هسته مرکزی قدرت مهاجم، مبانی و اصول هویتی آن را به چالش کشیده، زمینه زوال آن را فراهم سازد تا در آینده توان تهدید و تهاجم را از او بگیرد.

قرآن کریم در جریان تقابل حق و باطل با اشاره به این سیاست می‌فرماید: «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ» (انبیاء، ۱۸). «دمغ» در اصل به ضربه‌ای اطلاق می‌شود که به سر می‌خورد و به مغز آسیب می‌رساند (دینوری، ۱۴۱۱ق، ص ۲۸۵). این آیه مبارکه که به بازدارندگی فعال اشاره می‌کند که در آن گروه حق به صورت تهاجمی با باطل برخورد کند (نَقْذِفُ) تا هسته مرکزی آن دچار آسیب و اختلال گردد (فَيَدْمَغُهُ) که در نتیجه قدرت و توان آن به شکل کامل از میان برود (فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ) (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۴۳۶).

ج) بازدارندگی از راه نابودسازی مراکز تولیدی انرژی تهاجمی مهاجم: چالشگر
مهاجم با تکیه بر منابع تولیدی مهمات و انرژی تهاجمی خود، بر حمله و تجاوز ادامه می‌دهد که در این صورت، مهم‌تر از همه، تخریب و انهدام این مراکز در اولویت قرار دارند تا از این طریق منبع تولید انرژی دشمن مستأصل شود و ارتباط آن با خدمات پشتیبان قطع گردد. این شیوه راه‌حل قاطع، اصولی و فعال بازدارندگی ارزیابی می‌شود که قدرت تهاجمی را از مهاجم می‌گیرد. قرآن کریم با اشاره به این مسئله، از مسجد ضرار یادآوری می‌کند که به دست پیامبر نابود گردید (ابن‌هشام، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۵۳۰): «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَأَزْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ» (توبه، ۱۰۷). این آیه به چهار هدف مهم این پایگاه: «ضراراً/ ضربه مادی»، «كُفْرًا/ ضربه معنوی» و «تَفْرِيقًا.../ ایجاد شکاف درونی در جامعه» و «أَزْصَادًا.../ ساخت و ساز مرکز خطرناکی در قلب جامعه اسلامی» اشاره کرده است.

د) بازدارندگی از راه اقدام مؤثر و هدفمند: اقدام مؤثر با ایراد ضربه بر نقاط حساس و آسیب‌پذیر دشمن و به گونه‌ای هدفمند با شیوه متمرکز یا پراکنده در مطالعات بازدارندگی بسیار اهمیت دارد و می‌تواند «بازدارندگی» را از وضعیت انفعالی که مبتنی بر بی‌اثرسازی و کاهش ضربات دشمن است، به وضعیت فعال تبدیل کند که در آن دشمن از اقدامات تهاجمی منصرف گردد و حالت انفعالی بگیرد (افتخاری، ۱۳۹۹، صص ۳۴۶-۳۴۷). قرآن کریم در خصوص طاغوتیانی که در مقابل احکام الهی می‌ایستند و مردم را از عمل به آن منع می‌کنند، هشدار می‌دهد: «كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ» (علق، ۱۵).

«سفع» به معنای سیلی زدن بر رخسار و «سفع ناصیه»، گرفتن موی پیشانی و به سختی کشیدن است (شریعتی، ۱۳۴۶، ص ۲۶۹). از آنجایی که عزیزترین چیز نزد فرد پیشانی و موی جلو سر است (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص ۲۲۸)، هدف گرفتن این نقطه حساس است؛ یعنی در عین حال که نوعی خواری، ذلت و اهانت را به مهاجم می‌رساند (کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۷، ص ۴۷۳)، او را به تمکین و می‌دارد. بازیگر هدف با کاربرد این سیاست می‌تواند با تجمیع توان‌مندی‌های خود به گونه‌ای متمرکز در نقاط حساس و آسیب‌پذیر دشمن تأثیرات گسترده و عمیقی وارد کند تا بر او توان تهدید و تهاجم باقی نماند.

۵) بازدارندگی از راه سرکوب مهاجم: «سرکوب» با هدف از میان بردن یا تضعیف عامل تهدید و تهاجم انجام می‌گیرد که در آن رقیب از اقدام به تهدید و تهاجم بازداشته می‌شود. «سرکوب» از جمله سیاست‌های واقع‌گرایانه و فعال در بازدارندگی به‌شمار می‌رود. قرآن کریم در ماجرای درگیری پیرو موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ و قبطی به این سیاست اشاره کرده است (حائری‌تهرانی، ۱۳۳۸، ج ۸، ص ۱۳۰): «فَوَكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ» (قصص، ۱۵). «وَكَرَّ» به معنای زدن، دفع کردن و با تمام کف دست به گونه‌ای محکم وارد کردن ضربه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸۲). موسی به منظور دفع مهاجم از کاربرد مؤثر قدرت استفاده کرد و بر او ضربه شدید و پر قدرتی وارد کرد که ناخواسته به جای دفع به مرگ مهاجم انجامید (سمرقندی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۰۱). در قضیه مشابهی، همان شخص از موسی تقاضای کمک می‌کند که این بار با استفاده از سیاست «بطش» که به معنای حمله کردن و به دست آوردن چیزی با حمله است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۲۹) و اعمال قدرت با صولت و غلبه و سختی انجام می‌گیرد (امین، ۱۳۶۱، ج ۱۵، ص ۸۲)، برای مهار قدرت مهاجم و بازداشتن او از تجاوز، اقدام می‌کند: «فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَا مُوسَى أَتُرِيدُ أَنْ تَمُوتَ» (قصص، ۱۹).

۶) بازدارندگی از راه نابودسازی نیروهای تهاجمی مهاجم: بی‌شک بارزترین کانون تهدید برای بازیگر هدف، نیروهای تهاجمی بازیگر مهاجم است که به وسیله آنها، قدرت مهاجم علیه رقیبش اعمال می‌شود؛ بنابراین نابودسازی این نیروها به معنای گرفتن توان تهاجم از مهاجم و زمینه‌ای برای زوال قدرت اوست. قرآن کریم با اشاره به رخداد

بدر، نابودسازی مهاجمان را با این فراز بیان می‌دارد: «وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يَحِقَّ الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ» (انفال، ۷). «دابِر» به معنای آخر و «قطع دابر» به معنای استیصال و نابودسازی کامل است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۹۹)؛ یعنی خداوند در نبرد بدر، خواست که با قدرت مجاهدین، مهاجمان و کانون اصلی تهدید را به گونه‌ی استیصال نابود سازد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۴۵۹).

نتیجه‌گیری

بزرگ‌ترین دغدغه‌ی حیات بشری، جنگ و تجاوزگری است که قدرت‌های طاغوتی با استفاده از تهدیدهای نظامی، همواره امنیت دیگران را مخاطره می‌اندازند. یکی از سیاست‌های مهارکننده‌ی جنگ، بازدارندگی است که نخستین مرتبه نظریه‌پردازان غربی طرح کرده‌اند. این سیاست هرچند ماهیت خشن نداشته و مسالمت‌آمیز است، امروزه دنیای غرب با رویکرد سودانگاران و منفعت‌طلبانه، از آن به‌عنوان ابزاری برای سلطه‌یابی بر دیگران استفاده می‌کنند؛ از این رو در این مقاله تلاش شد تا به اسلامی‌سازی این سیاست و بازسازی آن بر اساس آیات قرآن کریم بپردازیم و راه کارهای جلوگیری از تهدیدهای نظامی دشمن را بسنجیم. در گفتمان قرآنی بازدارندگی، میان گروه حق (بازیگر هدف) و گروه باطل (بازیگر مهاجم) همواره روابط خصمانه وجود دارد که همیشه بازیگر مهاجم در صدد تهاجم بر منافع بازیگر هدف است و برای جلوگیری از آن، برخی راه کارهای سیاسی و نظامی از آیات الهی قابل استخراج است. محوری‌ترین شرط برای تحقق بازدارندگی، داشتن توانایی نظامی بازیگر هدف است که از آن به «اعداد قوه» تعبیر می‌شود. البته تأثیرگذاری بر روان مهاجم، صراحت زبان بازدارندگی و تهدید، آگاهی رقیب از اهداف و مقاصد بازیگر هدف و تصمیم‌گیری بر اساس محاسبه‌های عقلانی از شرایط دیگر بازدارندگی به شمار می‌رود که در صورت فقدان هر یکی از آنها ممکن است بازدارندگی به ناکامی بینجامد. قرآن کریم همچنان به اصولی اشاره می‌کند که در صورت کاربست آنها می‌توان به اهداف بازدارندگی نائل شد. این اصول، به شکل فرایندی برای بازدارندگی نقش دارند؛ بدین گونه که در

مرحله اول با توجه به اصل «دشمن‌شناسی»، خود مهاجم به‌عنوان منشأ تهدید شناسایی می‌شود. در مرحله دوم، با توجه به اصل «اعداد قوه» برای تأمین توان بازدارندگی، داشتن میزانی از توانایی‌های فناورانه لازم است که بدون آن نمی‌توان بر مهاجم فشار آورد تا از بلندپروازی دست بکشد. در مرحله سوم، با توجه به اصول «تهدید»، «مشروعیت حمله پیش‌دستانه»، «مقاوم‌سازی و استحکامات» و «فرسایش قدرت»، بازیگر مهاجم را از اقدام و آغاز به تهاجم باز می‌دارد. در نهایت اگر به‌فرض مهاجم به تجاوز اصرار ورزد و به هیچ ارزشی پابند نباشد، همواره برای بازیگر هدف در دسر ایجاد می‌کند و از هر راه ممکن در صدد ضربه‌زدن است، به‌عنوان آخرین راه‌حل، با تکیه بر اصل «نابودسازی»، کانون مولد تهدید از بین برده می‌شود.

فهرست منابع

۱. ابن سعد، م. (۱۴۱۰ق). الطبقات الكبرى. (ج ۱-۲). بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲. ابن عاشور، م. (۱۹۸۴م). التحرير والتنوير. (ج ۳). تونس: الدار التونسية للنشر.
۳. ابن عطیة، ع. (۱۴۲۲ق). المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز. (ج ۱). بیروت: دارالکتب العلمیة.
۴. ابن فارس، ا. (۱۳۹۹ق). معجم مقاییس اللغة. (ج ۵). بیروت: دارالفکر.
۵. ابن منظور، م. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. (ج ۳). بیروت: دار صادر.
۶. ابن هشام، ع. (۱۴۱۱ق). السیرة النبویة. (ج ۲). بیروت: دارالجلیل.
۷. احمدی، ع.ر. (۱۴۰۰). استراتژی بازدارندگی از منظر فقه سیاسی. افق‌های نو در فقه سیاسی، شماره ۹، صص ۹ - ۴۶.
۸. ارغندی، ع.ر.؛ روشندل، ج. (۱۳۹۸). مسائل نظامی و استراتژیک معاصر. تهران: سمت.
۹. افتخاری، ا. (۱۳۹۹). مقاومت در اسلام؛ نظریه و الگو. تهران: اندیشه‌سازان نور.
۱۰. امین، ن.ب. (۱۳۶۱). مخزن العرفان در علوم قرآن. (ج ۱۵). تهران: نهضت زنان مسلمان.
۱۱. بستانی، م. (۱۳۸۶). پژوهش در جلوه‌های هنری داستان‌های قرآن. (ج ۲، مترجم: م. دانش). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۲. البستی، م. (۱۴۱۷ق). السیرة النبویة. (ج ۱). بیروت: الکتب الثقافیة.
۱۳. بشیر، ح. (۱۳۹۵). دیلماسی گفتمانی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۴. بلوجی، ح.ع. (۱۳۹۲). مفاهیم رقیب در سیاست‌گذاری‌های دفاعی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۵. پانی‌پتی، ث.ا. (۱۴۱۲ق). التفسیر المظهری. (ج ۴). کوئته: رشیدیة.
۱۶. حائری تهرانی، ع. (۱۳۳۸). مقتنیات الدرر. (ج ۸). تهران: دارالکتب الاسلامیة.

۱۷. حبیب‌اللهی، م. (۱۳۸۳). نظریه بازدارندگی هسته‌ای از تئوری تا عمل. راهبرد، شماره ۳۴، صص ۴۹-۷۵.
۱۸. خدادادی، م.ا. (۱۳۸۱). مبانی علم سیاست. قم: یاقوت.
۱۹. دوئرتی، ج.؛ فالترگراف، ر. (۱۳۹۶). نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل (مترجمان: ع.ر. طیب و و. بزرگی). تهران: قومس.
۲۰. دینوری، ع.ا. (۱۴۱۱ق). غرب القرآن. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۲۱. راغب اصفهانی، م. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالقلم.
۲۲. زمخشری، م. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. (ج ۱-۳). بیروت: دارالکتاب العربی.
۲۳. سمرقندی، ن. (بی تا). بحر العلوم (ج ۲-۳). بیروت: دارالفکر.
۲۴. سیف‌زاده، ح. (۱۳۹۸). نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل: مبانی و قالب‌های فکری. تهران: سمت.
۲۵. شریعتی، م.ت. (۱۳۴۶). تفسیر نوین. تهران: شرکت سهامی.
۵۱. شکوهی، ج. (۱۳۹۵). مبانی فقهی اصل بازدارندگی دفاعی در مقابل تهدیدات احتمالی دشمن. (استاد راهنما: هادی عظیمی گرکانی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۲۶. طباطبایی، م.ح. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. (ج ۲، ۹، ۱۳). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۷. طبرانی، س. (۲۰۰۸م). التفسیر الکبیر. (ج ۵). اردن: دارالکتاب الثقافی.
۲۸. طبرسی، ف. (۱۳۷۲). مجمع البیان. (ج ۱۰). تهران: ناصر خسرو.
۲۹. طبرسی، ف. (۱۳۷۷). جوامع الجوامع. (ج ۲-۳). تهران: دانشگاه تهران.
۳۰. طوسی، م. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. (ج ۸). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۱. طیب، ع.ح. (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. (ج ۶). تهران: اسلام.
۳۲. عالم، ع.ر. (۱۳۹۱). بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی.

۵۲. علی نژاد، م؛ گودرزی، م و شجاعی، س. (۱۳۹۸). طراحی الگوی بازدارندگی نظامی از منظر آموزه های دینی. مجله مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، ۳(۱۱)، صص ۷-۳۴.
۳۳. عمید زنجانی، ع.ع. (۱۳۹۹). فقه سیاسی؛ حقوق معاهدات بین المللی و دیپلماسی در اسلام. تهران: سمت.
۳۴. فخر رازی، م. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. (ج ۱۵). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۵. فراهیدی، خ. (۱۴۱۰ق). العین. (ج ۷). قم: هجرت.
۳۶. قاسمی، م.ج. (۱۴۱۸ق). محاسن التأویل. (ج ۲، ۵). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۷. قرائتی، م. (۱۳۸۸). تفسیر نور. (ج ۵، ۷). تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۳۸. قمی، ع. (۱۳۶۷). تفسیر القمی. (ج ۱). قم: دارالکتاب.
۳۹. کاشانی، ف.ا. (۱۴۲۳ق). زیدة التفاسیر. (ج ۷). قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۴۰. کمیته پدافند غیرعامل (۱۳۸۸). مبانی، اصول و شیوه های پدافند غیرعامل. تهران: مدرسه.
۴۱. لارنس، ف. (۱۳۸۶). بازدارندگی (مترجم ف. پالیزی). تهران: نشر مهاجر.
۴۲. لیست، س.م. (۱۳۷۴). مشروعیت و کارآمدی (مترجم: ر. زیب). در: فرهنگ و توسعه، شماره ۱۸، صص ۲۹-۶۷.
۴۳. ماتریدی، م. (۱۴۲۶ق). تأویلات أهل السنة. (ج ۸). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۴. مجرد، م. (۱۳۹۰). راهبرد جنگ پیش دستانه از نظریه تا واقعیت. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۴۵. مدرسی، م.ت. (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن. (ج ۱۸). تهران: دار محبی الحسین.
۴۶. مراغی، ا. (۱۳۶۵ق). تفسیر المراغی. (ج ۶-۷، ۱۰ و ۲۷). مصر: مصطفى البابی الحلبي.
۴۷. مصطفوی، ح. (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. (ج ۶). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۸. مغلطای، ع.ا. (۱۴۱۶ق). الإشارة إلى سیرة المصطفی وتاریخ من بعده من الخلفاء. بیروت: دارالقلم.
۴۹. مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. (ج ۸). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۵۰. میرسمیعی، س.م. (۱۳۹۵). کلیات در دفاع غیرعامل. تهران: انتشارات پشیمان.
۵۱. نظرزاده، ع.ا. (۱۳۹۶). فرهنگ اصطلاحات و مفاهیم سیاسی قرآن کریم. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۵۲. واقدی، م. (۱۴۰۹ق). المغازی. (ج ۱ و ۳). بیروت: دار الأعلمی.
۵۳. هاشمی رفسنجانی، ا. (۱۳۸۶). تفسیر راهنما. (ج ۴ و ۱۰). قم: بوستان کتاب.
54. Whitley, G.L. (2000). *Psyop Operation 21st Century*. US. Army War College Carlisle Barracks.

References

1. Aalam, A. R. (1391 AP). *Foundations of Political Science*. Tehran: Ney. [In Persian]
2. Ahmadi, A.R. (2021). Deterrence strategy from the perspective of political jurisprudence. *New Horizons in Political Jurisprudence*, No. 9, pp. 9-46. [In Persian]
3. Al-Basti, M. (1417 AH). *Al-Sirah al-Nabawiyyah* (Vol. 1). Beirut: Al-Kotob al-Thaqafiyah. [In Arabic]
4. Alinejad, M., Goudarzi, M. ., & Shojaei, S. (2018). Designing a model of military deterrence from the perspective of religious teachings. *National Defense Strategic Management Studies Journal*, 3(11), pp. 7-34. [In Persian]
5. Amid Zanjani, A. A. (1399 AP). *Political Jurisprudence: International Treaty Law and Diplomacy in Islam*. Tehran: Samt. [In Persian]
6. Amin, N. B. (1361 AP). *Treasury of Mysticism in the Sciences of the Quran* (Vol. 15). Tehran: Muslim Women's Movement. [In Persian]
7. Arghandi, A. R., & Roshandel, J. (1398 AP). *Contemporary Military and Strategic Issues*. Tehran: Samt. [In Persian]
8. Bashir, H. (1395 AP). *Discursive Diplomacy*. Tehran: Imam Sadiq University. [In Persian]
9. Bestani, M. (1386 AP). *Research on the Artistic Aspects of the Stories in the Quran* (Vol. 2, M. Danesh, Trans.). Mashhad: Foundation for Islamic Research. [In Persian]
10. Bolouji, H. A. (1392 AP). *Concepts of Rivals in Defense Policies*. Tehran: Strategic Studies Research Institute. [In Persian]
11. Dinvari, A. A. (1411 AH). *Ghareeb al-Quran*. Beirut: Dar wa Maktabat al-Hilal. [In Arabic]
12. Duereti, J., & Faltzgeraf, R. (1396 AP). *Conflicting Theories in International Relations* (A. R. Tayeb & V. Bozorgi, Trans.). Tehran: Ghomes. [In Persian]
13. Eftekhari, A. (1399 AP). *Resistance in Islam: Theory and Model*. Tehran: Andisheh-Sazan-e Noor. [In Persian]

14. Fakhr Razi, M. (1420 AH). *Mafatih al-Ghayb* (Vol. 15). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
15. Farahidi, K. (1410 AH). *Al-'Ain* (Vol. 7). Qom: Hejrat. [In Arabic]
16. Habibollahi, M. (1383 AP). The Theory of Nuclear Deterrence from Theory to Practice. *strategy*, 34, pp. 49-75. [In Persian]
17. Ha'iri Tehrani, A. (1338 AP). *Moqtaniyat al-Durar* (Vol. 8). Tehran: Dar al-Kotob A-Islamiyah. [In Arabic]
18. Hashemi Rafsanjani, A. (1386 AP). *Tafsir-e Rahnama* (Vols. 4 & 10). Qom: Bustan-e Ketab. [In Persian]
19. Ibn Ashur, M. (1984). *al-Tahrir wa'l-Tanwir* (Vol. 3). Tunis: Dar al-Tunisiyya lil-Nashr. [In Arabic]
20. Ibn Attiyah, A. (1422 AH). *Al-Muharrar al-Wajiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Kotob al-ilmiyah. [In Arabic]
21. Ibn Faris, A. (1399 AH). *Mu'jam Maqayis al-Lughah* (Vol. 5). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
22. Ibn Hosham, A. (1411 AH). *Al-Sirah al-Nabawiyyah* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Jil. [In Arabic]
23. Ibn Manzur, M. (1414 AH). *Lisan al-Arab* (Vol. 3). Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
24. Ibn Saad, M. (1410 AH). *Al-Tabaqat al-Kubra* (Vols. 1 & 2). Beirut: Dar al-Kotob al-ilmiyah. [In Arabic]
25. Kashani, F. A. (1423 AH). *Zobdat al-Tafsir* (Vol. 7). Qom: Al-Ma'arif al-Islamiyah Foundation. [In Arabic]
26. Khodadadi, M. A. (1381 AP). *Foundations of Political Science*. Qom: Yaqut. [In Persian]
27. Lawrence, F. (1386 AP). *Deterrence* (F. Palizi, Trans.). Tehran: Mohajer. [In Persian]
28. Lipset, S. M. (1374 AP). Legitimacy and Effectiveness (R. Zabib, Trans.). *Culture and Development*, 18, pp. 29-67. [In Persian]
29. Makarem Shirazi, N. (1374 AP). *Tafsir Nemooneh* (Vol. 8). Tehran: Dar al-Kotob A-Islamiyah. [In Persian]

30. Maraghi, A. (1365 AH). *Tafsir al-Maraghi* (Vols. 6, 7, 10 & 27). Egypt: Mustafa al-Babi al-Halabi. [In Arabic]
31. Maturidi, M. (1426 AH). *Tawilat Ahl al-Sunnah* (Vol. 8). Beirut: Dar al-Kotob al-ilmiyah. [In Arabic]
32. Mirsamie, S. M. (1395 AP). *Principles of Non-Operational Defense*. Tehran: Poshtiban. [In Persian]
33. Modarresi, M. T. (1419 AH). *Men al- Hod al-Quran* (Vol. 18). Tehran: Dar Mohibi al-Hussein. [In Arabic]
34. Mojarrad, M. (1390 AP). *Preemptive War Strategy: From Theory to Reality*. Tehran: Imam Sadegh University. [In Persian]
35. Mostafavi, H. (1360 AP). *Investigation of the Words of the Holy Quran*. (Vol. 6). Tehran: Translation and Book Publishing Agency. [In Arabic]
36. Mughalta'i, A. A. (1416 AH). *Al-Isharah ila Seerat al-Mustafa wa Tarikh min Ba'dah min al-Khulafa*. Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic]
37. Nazarzadeh, A. A. (1396 AP). *Dictionary of Political Terms and Concepts in the Holy Quran*. Qom: Institute for Islamic Sciences and Culture. [In Persian]
38. Non-Operational Defense Committee. (1388 AP). *Foundations, Principles, and Methods of Non-Operational Defense*. Tehran: Madreseh. [In Persian]
39. Panipati, S. A. (1412 AH). *Al-Tafsir al-Mazhari* (Vol. 4). Kuwait: Rashidiyah. [In Arabic]
40. Qara'ati, M. (1388 AP). *Tafsir-e Noor* (Vols. 5 & 7). Tehran: Cultural Center of Quranic Lessons. [In Persian]
41. Qasemi, M. J. (1418 AH). *Mahasin al-Ta'wil* (Vols. 2 & 5). Beirut: Dar al-Kotob al-ilmiyah. [In Arabic]
42. Qomi, A. (1367 AP). *Tafsir al-Qomi* (Vol. 1). Qom: Dar al-Ketab. [In Arabic]
43. Raghieb Isfahani, M. (1412 AH). *Al-Mufradat fi Ghareeb al-Quran*. Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic]
44. Samarqandi, N. (n.d.). *Bahru al-'Ulum* (Vols. 2 & 3). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
45. Seyfzadeh, H. (1398 AP). *Theory Construction in International Relations: Foundations and Intellectual Frameworks*. Tehran: Samt. [In Persian]

46. Shariati, M. T. (1346 AP). *Modern Interpretation*. Tehran: Joint Stock Company. [In Persian]
47. Shokohi, J. (2015). *Jurisprudential foundations of the principle of defensive deterrence against possible enemy threats* (supervisor: Hadi Azimi Gerkani). Master's thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch - Faculty of Literature and Humanities. [In Persian]
48. Tabarsi, F. (1372 AP). *Majma' al-Bayan* (Vol. 10). Tehran: Naser Khosro. [In Arabic]
49. Tabarsi, F. (1377 AP). *Jawami' al-Jawami'* (Vols. 2 & 3). Tehran: University of Tehran. [In Arabic]
50. Tabatabaei, M. H. (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran* (Vols. 2, 9 & 13). Qom: Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers. [In Persian]
51. Tabrani, S. (2008). *Al-Tafsir al-Kabir* (Vol. 5). Jordan: Dar al-Kutub al-Thaqafi. [In Arabic]
52. Tayyeb, A. H. (1378 AP). *Atiyab al-Bayan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 6). Tehran: Islam. [In Arabic]
53. Tusi, M. (n.d.). *Al-Tibyan fi tafsir al-Qur'an* (Vol. 8). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
54. Vaqedi, M. (1409 AH). *Al-Maghazi* (Vols. 1 & 3). Beirut: Dar al-A'lamiah. [In Arabic]
55. Whiteley, G. L. (2000). *Psyop Operation 21st Century*. US. Army War College Carlisle Barracks.
56. Zamokhshari, M. (1407 AH). *Al-Kashaf 'an Haqaiq Ghawamid al-Tanzil* (Vols. 1 & 3). Beirut: Dar al-Kutub al-'Arabi. [In Arabic]